

روند و ریشه‌های تغییرات سرپوش زنان ایران از عصر صفوی تا دوران معاصر

فهرست مطالب

۲.....	چکیده
۳.....	مقدمه
۳.....	بیان مساله
۴.....	روش تحقیق
۴.....	سرپوش زنان ایران در دوره‌ی صفوی
۵.....	سرپوش زنان ایران در دوره‌ی افشاری
۵.....	سرپوش زنان ایران در دوره‌ی زندی
۵.....	سرپوش زنان ایران در دوره‌ی قاجاری
۶.....	سرپوش زنان ایران در دوره‌ی پهلوی
۶.....	سرپوش زنان ایران در دوره‌ی انقلاب اسلامی
۷.....	رابطه میان تغییرات اجتماعی و پوشش زنان
۱۲.....	کاربرد نقوش سنتی در سرپوش‌های معاصر
۱۴.....	ضرورت استفاده از نقوش سنتی در طراحی سرپوش زنان
۱۴.....	نتیجه‌گیری
۱۵.....	منابع

روند و ریشه‌های تغییرات سرپوش زنان ایران

از عصر صفوی تا دوران معاصر

فاطمه کربلایی^۱، بهنام زنگی^{۲*}

^۱ کارشناس ارشد طراحی گرافیک، دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیک، تهران: ایران

^۲ دکترای پژوهش هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران: ایران (نویسنده مسئول)

Email: b.zangi@yahoo.com

چکیده

پوشش سر در هر دوره‌ای بیانگر مراتب و جایگاه اجتماعی طبقات و اشخاص است. استفاده زنان از سرپوش نیز بر همین مبنا در ادوار گوناگون دچار دگرگونی گشته و دارای تنوع چشمگیر بوده است.

این پژوهش با شناسایی ویژگی‌های پوشش زنان و سرپوش‌های هر دوره، تغییرات سرپوش از دوره صفویه تا امروز مورد بررسی قرار گرفته می‌دهد. مطالعه‌ی عوامل موثر بر تغییرات سرپوش‌ها و رابطه‌ی بین تحولات اجتماعی و تغییرات نوع پوشاک و سرپوش زنان به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. اطلاعات تحقیق به شیوه‌ی کتابخانه‌ای گردآوری شده و مصاحبه‌هایی نیز با برخی فعالان طراحی و تولید سرپوش انجام شده است. با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان روند تغییرات سرپوش زنان در دوره‌های مختلف را با عواملی مانند موقعیت تاریخی، فرهنگی، دین و مذهب، وضعیت اقتصادی، سیاسی پوشش هر دوره مشخص کرد، زیرا تغییرات این نوع پوشش تابع تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بوده است. تغییرات نقوش پوشاک در مدت مورد بررسی تابع تغییر و تحولات لباس و پوشش‌ها است که خود ناشی از تحولات و مبادلات فرهنگی‌اند. تنوع و گوناگونی سرپوش‌های زنان در دوره‌های مورد بررسی، علاوه بر تاثیرپذیری از تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، از جایگاه اجتماعی زنان و طبقه اجتماعی آنان و در سال‌های متاخر، شغل و مسئولیت اجتماعی آنان نیز تاثیر پذیرفته است.

نقوش و تزیینات در سرپوش‌های دوره‌های صفوی، افشاری، زندی و قاجاری با توجه به کل متن پارچه‌ها و وجود عناصر هماهنگ با این نقوش تحت تاثیر نماد، اسطوره و نقش‌مایه‌های رایج مربوط به هر دوره است، اما از دوران پهلوی به بعد، مدگرایی ناشی از الگوهای غیر ایرانی نیز بر این نوع تحولات سایه افکنده است.

استفاده از نقوش و تزیینات به جا مانده از تمدن ایرانی-اسلامی ضمن پیوند بیشتر فرهنگ و هنر ایرانی با زندگی امروزی مردم می‌تواند به طرح روسری‌ها به‌عنوان بخش مهمی از پوشش معاصر، هویت و ارزشی فرهنگی ببخشد.

واژگان کلیدی: لباس و پوشش ایرانی، طراحی مد و لباس، سرپوش زنان، مد و پوشاک، دوره صفویه.

مقدمه

پوشاک بارزترین نماد فرهنگی و مهمترین و آشکارترین مظهر قومی است که علاوه بر جنبه‌های ظاهری از قبیل جنس، رنگ و نوع پوشش، نشان‌دهنده تفکر و اندیشه جوامع نیز هست. پوشاک هر ملتی بخشی از فرهنگ و تمدن آن ملت محسوب می‌شود و علل گوناگونی مانند موقعیت تاریخی، فرهنگی، دین و مذهب، وضعیت اقتصادی، سیاسی و جغرافیایی پوشش هر دوره را مشخص می‌کنند. سرپوش به عنوان بخشی از پوشاک، جایگاه مهمی در فرهنگ اقوام گوناگون به‌ویژه در میان ایرانیان داشته است. با مروری اجمالی بر تاریخ ایران و جهان در می‌یابیم که اگرچه سرپوش در ادوار آغازین زندگی بشر صرفاً وسیله‌ای برای ایمنی و حفاظت از سر در مقابل سرما و گرما بوده، ولی به تدریج با شکل‌گیری جوامع، کاربردهای مهم‌تری یافته و نوع و شکل آن بازتابی از اندیشه و نوع جهان‌بینی و مذهب بوده است، علاوه بر موارد فوق عوامل دیگری همچون مذهب، نوع فعالیت اقتصادی، منزلت و جایگاه اجتماعی و برخی جنبه‌های سیاسی در کاربرد پوشش برای سر در میان ایرانیان جایگاهی اساسی دارد. در پژوهش حاضر تاریخچه پوشش سر زنان از دوره صفویه تا به امروز مورد بررسی قرار گرفته است.

سرپوش یکی از نیازهای روزمره‌ی افراد به شمار می‌آید که علاوه بر کاربرد پوشش، به نوعی بخش مهمی از لایه‌های فرهنگی یک جامعه و به ویژه هویت فرهنگی آن را آشکار می‌سازد. با گسترش ارتباطات فرهنگی و اقتصادی و با ورود روزافزون پارچه‌های خارجی، نقوش زیبا و اصیل نیاکان ما که مورد توجه کشورهای دیگر بوده فراموش شده و ریشه این امر را می‌توان در عدم شناخت و توجه به محتوا و معنای ارزش‌های واقعی این نقوش دانست. هر نقش علاوه بر رنگ و شکل، دارای معانی مختلفی است و بار معنایی نقوش به کار رفته در طراحی سرپوش‌ها جنبه رمزگرایی و نمادین دارد.

بیان مساله

موضوع پوشش در طول تاریخ و در فرهنگ‌ها و اقوام مختلف به شیوه‌های مختلف در شکل‌گیری و شکوفایی جوامع موثر بوده و به تعبیری می‌توان نوع پوشش اعضای یک جامعه را در هر دوره زمانی و مکانی، نمادی از روند رو به رشد و یا زوال آن اجتماع در نظر گرفت. در طول تحقیقات انجام شده در زمینه تاریخ پوشاک، پوشش هر دوره به‌طور کلی بررسی شده، اما به پوشش سر زنان به‌طور خاص پرداخته نشده است. در صورتی که زنان، در جامعه دارای هویت تاثیرگذار بوده و پوشش سر آن‌ها می‌تواند نشانه فرهنگ اصیل پوشش یک جامعه باشد. در طول تاریخ ایران پوشش‌های متنوعی بر سر زنان دیده می‌شود و گاهی تنها راه تشخیص زنان از مردان در آثار تاریخی، پوشش سر آن‌هاست و این نشان از نگاه ویژه‌ای که در ادوار مختلف به پوشش سر زنان شده است دارد. مطالعه‌ی سرپوش‌های زنان دوره‌های مختلف با توجه به پیوند آن با ساختارهای فرهنگی اجتماعی دوره‌های مختلف، اهمیت دارد. تحقیقاتی که بر اساس منابع تصویری و تاریخی باقیمانده انجام شود و قابل استناد باشد تا با استفاده از آن بتوان با انواع سرپوش‌ها و زمینه‌های شکل‌گیری آن‌ها و ارزش‌های نشانه‌شناختی‌شان آشنا شد. این نوع مطالعات می‌تواند زمینه‌ساز طراحی پوشش‌های زیبا با رویکرد بومی و دارای ارزش‌های فرهنگ اصیل ایرانی برای بانوان باشد. پوشش سر مبین تحولات یک جامعه، و در عین حال بیانگر تفاوت‌هایی است که میان اقشار آن جامعه وجود دارد. پوشیدن بدن و داشتن حجاب فرهنگی است که از بدو حیات اجتماعی بشر تاکنون برقرار بوده است و هرگاه عمیقاً به پیشینه‌ی تاریخی و فرهنگی خود مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم که فرهنگ درست پوشیدن سر و بدن، متناسب با اوضاع و احوال اجتماعی مساله‌ای است که نیاکان ما آن را پاس می‌داشته‌اند. طراحی پوشش سر زنان نیز می‌تواند بخشی از نشانه‌های فرهنگ و مناسبات یک جامعه باشد. بهره‌گیری از نقوش اصیل و هویت‌مند می‌تواند پوشش‌های زنان و از جمله آن، روسری‌ها و شال‌ها را به عناصری برای معرفی و بازتعریف فرهنگ و هنر اصیل ایرانی تبدیل کند. در طول تاریخ ایران پوشش‌های متنوعی بر سر زنان دیده می‌شود. در این پژوهش به بررسی نقوش و تغییرات آن در سرپوش زنان از دوره صفویان تا به امروز پرداخته شده است. استفاده نکردن از نقوش و تصاویر ایران باستان در طراحی سرپوش‌های امروزی مساله‌ای است که می‌تواند موجب گسست بین این نوع سرپوش زنانه با ارزش‌های فرهنگی بومی که در نقوش سنتی و بومی متجلی هستند، شود.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کیفی بوده و به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و روش گردآوری اطلاعات آن کتابخانه‌ای است. این پژوهش ضمن بررسی علل فرهنگی و اجتماعی موثر بر تغییرات نوع و نقوش سرپوش زنان از عصر صفوی تا دوران معاصر در پی این پاسخ به پرسش است که نقوش اصیل ایرانی در راستای هویت‌بخشی به سرپوش‌های زنانه و رقابت‌پذیری آن در بازارهای کنونی چه کارآیی دارند.

سرپوش زنان ایران در دوره‌ی صفوی

در عصر صفویه ما شاهد چندگانگی انواع لباس و سبک‌های رایج در آن‌ها هستیم و با وجود این‌که عوامل متعددی همچون مسائل اقتصادی، مذهبی و اجتماعی بر این موضوع موثرند، عامل اصلی، رونق شهر اصفهان و رفت و آمد بیگانگان و به ویژه اروپاییان به این شهر است. در این عصر مردان و زنان ایرانی، فرهنگ اروپایی و از جمله پوشش اروپاییان را می‌پذیرند ولی این تغییرات هیچ‌گاه از حد تاثیرپذیری فراتر نمی‌رود و هیچ‌گاه نمونه‌های مربوط به این دوره دچار تضاد و دگرگونی نشده است (اسکارچیا، ۱۳۹۰: ۵).

در منسوجات دوره صفویه نقوش و تزئینات به‌کار گرفته شده در پوشاک با گرایش‌های عرفانی پادشاهان صفوی و میل به نشان‌دادن منزلت و اعتبار اجتماعی و طبقه اجتماعی‌شان مرتبط است، اما همچنان از لحاظ فرم، به لباس صوفیان پایبند بودند. به‌دلیل یک‌نواختی موجود در این فرم از تزئینات و زیورآلات برای ایجاد تمایز و تنوع استفاده می‌شد. با این همه، پوشیدن این لباس‌ها موافق با دیدگاه عرفانی آنان نبوده، چرا که در دیدگاه عرفانی نوع پوشاک نه با در نظر گرفتن موقعیت‌های اجتماعی، بلکه با توجه به چگونگی سیر و سلوک عارف تمایز می‌یابد (غیبی، ۱۳۸۴: ۴۵۶).

چنان‌که به نظر می‌رسد رنگ‌ها، بافت پارچه‌ها و نشان‌هایی که هر یک دلالت بر معنایی دارند تنها صورت و محتوای ذهنی هر فرد را به یکدیگر پیوند می‌دهد و پوشاک به دلیل معنای باطنی دارای زیبایی و منزلت هستند. این نظر در مورد پوشاک به صورت روشن و علندر تقابل با تفاخر و تجمل‌گرایی است. تزئینات به‌کار رفته در منسوجات صفویه از نظر طرح، نقش و شیوه چنان غنی هستند که می‌توان در حال حاضر هم برای خلق آثار جدید از آن‌ها الهام گرفت. دوره صفویه اوج درخشش هنر پارچه‌بافی و تزئینات مربوط به پوشش است. (همان، ۴۲۱).

تزئینات منسوجات دوره صفوی شامل: نوارهای تزئینی، چاپ، نقاشی و دوخته‌دوزی است. در این دوره سرپوش افراد موقعیت سیاسی و مذهبی آن‌ها را مشخص می‌ساخت. پوشش سر زنان در آغاز این دوره روسری بازی بود که دو یا سه گوشه آن بالای پیشانی بسته شده بود، بعدها روسری شق و رق تر شد و گوشه‌های پشتی در پشت سر برجسته قرار گرفت. قسمت‌های کناری درست از روی گوش‌ها بر روی شانه‌ها می‌افتاد. نوک‌های کناری در زیر چانه گره می‌خورد. بعد از آن روسری‌ها و سنبوسه‌ها کوچک اندازه شدند و معمولاً رنگ آن‌ها سفید بود یا از پارچه راه راه به رنگ روشن دوخته می‌شدند که با کلاه زیر آن نواری قرار می‌گرفت، ابتدا سنبوسه را سر می‌کردند و بعد روی آن کلاه می‌گذاشتند تا کاملاً موها را بپوشاند. روسری که زنان ایرانی تا اواخر قاجاریه نیز بر سر می‌کردند در این دوره همگانی شد. در این دوره زنان روی سر کلاه با وسیله زنی نمی‌گذاشتند و با چادر و مقنعه سر خود را می‌پوشاندند و وقتی از خانه خارج می‌شدند، چادر سفید و بلندی سر می‌کردند و تمام صورت غیر از چشمان را می‌پوشاندند (راوندی، ۱۳۶۹: ۹۶).

از نوآوری‌های این دوره، حجابی چهارگوش و سفید به نام "روبند" بود که به بالای چادر متصل می‌شد، و روی صورت می‌افتاد و شکافی کوچک و توری شکل داشت که امکان دیدن را فراهم می‌ساخت. گاهی زنان برای بیرون از خانه توری سر می‌کردند که گاهی با گل سینه یا سنجاق به کلاه‌های کوچکی که به یک گوشه کج می‌شد وصل می‌شد. در مورد پوشش سر زنان در این دوره در سفرنامه‌های زیادی صحبت شده است. گاهی از مقنعه استفاده می‌شد که علاوه بر پوشش موها، روی سینه را هم می‌پوشاند و روی آن مقنعه، گاهی نواری می‌بستند و نوار در زیر چانه قرار می‌گرفت که با پر تزئین می‌کردند. زنان روستایی نیز نواری روی مقنعه و چادر می‌بستند. زنان دربار از چادر استفاده می‌کردند و تاج زیر آن قرار می‌گرفت (غیبی، ۱۳۸۴: ۴۶۴).

سرپوش زنان ایران در دوره‌ی افشاری

پس از فروپاشی صفویان و آغاز دوران آشفته نادر ضعف و عقب‌افتادگی جامعه ایران به شدت نمایان شد و هر چند در دوران کوتاه نادر مجال ایجاد سبک‌ها و انواع جدید لباس نبود، ولی اثرات خود را در قالب افت کیفیت نشان داد. (اسکارچا، ۱۳۷۶: ۳۲۱).

در دوره افشاریه پوشاک به صورت پوشاک صفویه است ولی از تجملات و تزیینات آن کاسته شده است. همچنین نباید از نظر دور داشت که پوشاک و سرپوش این زمان، همچون بسیاری از هنرهای آن، با سرعتی فزاینده مغلوب فرهنگ غرب می‌شود و هر چند مسائل اقتصادی نیز به این امر دامن می‌زند ولی باید پذیرفت که تلاش اروپاییان برای رخنه در بازار ایران، در این زمان به ثمر نشست و بی‌دلیل نیست که رابطه دو طرفه دربار صفویه با اروپاییان در دوره‌های بعد به شکل سیطره فکری اروپا بر ایران در می‌آید. رنگ‌های ملایم‌تر در سال‌های آخر حکومت صفوی، جایگزین رنگ‌های درخشان در ابریشم‌های طرح‌دار و مخمل گردید. تغییرات اندک طرح‌ها به قدری بود که مورخان هنر و نساجی مدرن، به طور عام پارچه‌ها را یا به حکومت صفوی و یا قاجار نسبت داده‌اند، اما اکنون مشخص شدن جزئیات بیشتر، امکان تاریخ‌گذاری دقیق‌تر را فراهم ساخته است (شاردن، ۸۰۷).

بافت پارچه زربفت این دوره به شیوه صفوی است و تنها نقش‌مایه‌های آن تغییر یافته و با ارزش‌ها و معیارهای افشاری منطبق گشته‌اند. پوشاک این دوره هرچند بسیاری از نمادها و نشانه‌های ایرانی را به همراه دارند ولی گرایش مفرط مردم به ویژه درباریان به شبیه شدن به اروپاییان بیشتر از آن است که بتوان آن را انکار کرد (هانوی، ۱۳۴۶: ۸۶).

سرپوش زنان ایران در دوره‌ی زندی

در زمان زندیان با وجود علاقه و توجه کریم خان به هنر و صنعت، پایه‌های غرب‌گرایی که در سال‌های پیش گذاشته شده بود، استوار گردید. هنر دوستی و طرز تفکر و حکمرانی کریم خان نمی‌توانست روند کلی هنرها را تغییر دهد زیرا او از هر آنچه که وجود داشت، حمایت می‌کرد و اصولاً نمی‌توانست هنر را از ورطه‌ی غرب‌گرایی که از سال‌ها پیش در آن افتاده بود نجات دهد. از این رو، با وجود رونق نسبی صنعت هرگز فرصت تولید علم و صنعت پیش نیامد و بنابراین، حکومت و مردم، بیشتر خود را نیازمند اروپا احساس کردند و تا آن‌جا پیش رفتند که خواهان ظاهری اروپایی بودند (حجازی، ۱۳۸۲: ۱۷۷).

در دوره زندیه پارچه‌های نخی و ابریشمی همچنان برای پوشاک به کار برده می‌شد. زنان از تور با پارچه نازک روی سر استفاده می‌کردند که آن را با رشته‌های مروارید یا نیم‌تاج و جقه و پیشانی‌بند و پره‌های زیبا روی سر بند می‌کردند (ذکا، ۱۳۸۲: ۱۷۶).

نوع دیگری از کلاه و کلاهک ظریفی بود که در جلو تاجی داشت و بند مروارید آن را به موها وصل کرده بود و دو قطعه باریک در دو طرف صورت و یک قطعه در پشت سر آویزان بود و گاهی پارچه‌ای از پشت به آن وصل بود. این کلاه‌ها را زنان در خانه استفاده می‌کردند و در هنگام خروج از خانه از چادر سفید و سیاه و بنفش استفاده می‌کردند و چادر با قیطان یا بندی نگه داشته می‌شد. روبند زنان در این دوره پارچه مستطیل شکلی بود که در بالای پیشانی به کلاه، روسری و چادر متصل می‌شد و در ناحیه چشم شکافی افقی برای دیدن وجود داشت (ضیاءپور، ۱۳۴۶: ۳۷۶).

سرپوش زنان ایران در دوره‌ی قاجاری

دوره ناصرالدین شاه با بسط و گسترش فرهنگ غربی از طریق روشنفکران و حضور اروپائیان در ایران و تأسیس نهادهای آموزشی و نظامی همراه بود و ایرانیان نسبت به فرهنگ غربی رغبت نشان می‌دادند. در ابتدای دوره قاجارها پوشاک صفوی با این تفاوت که استفاده از جواهرات و نقوش به طور اغراق‌آمیزی افزایش یافت، به کار گرفته شد و پوشش به سوی تجمل و تفاخر کشیده شد که مخالف با دیدگاه اسلامی و عرفانی بود. از دلایل این تغییر می‌توان به گرایش‌های برتری‌جویانه و تمایزات طبقاتی و تفاخر و منزلت‌خواهی و اعتبار اجتماعی در دوره‌ی قاجار اشاره کرد. دو گرایش متضاد میان روحانیون و دربار در زمینه پوشاک پایه‌پای هم جریان داشت؛ تجمل‌گرایی در دربار و طبقات وابسته و ساده‌زیستی بین روحانیون و عامه مردم (زیبایی‌نژاد و سبحانی، ۱۳۷۹: ۱۶۳).

ورود اروپاییان به ایران چالش جدیدی برای زیبایی‌شناسی پوشاک ایرانی-اسلامی در پی داشت. پوشاک مدرن اروپایی با دیدگاه بنیادین اسلام و عرفان نسبت به ساده‌زیستی هماهنگی داشت. بنابراین، طرح‌ها با توجه به فرم لباس ایجاد شده و تا حد زیادی آن را از زینت‌های تجملی و اضافی که در پوشاک درباری ایران رایج بود بی‌نیاز می‌کرد، زیرا ایرانیان علاوه بر آن که در سراسر پارچه طرح‌های پرنقش و تکرارشونده ایجاد می‌کردند، برای ایجاد حاشیه‌های دلخواه بر روی آن از براق و تزئینات ثانوی نیز استفاده می‌کردند و با اضافه شدن جواهرات به آن که مظهر تجملات و تفاخر بود این پوشاک درباریان به طرز اغراق‌آمیزی شلوغ می‌شد که در دوره دوم قاجاریه به حد زندگی رسیده بود. در دوره‌ی دوم قاجاریه با تأثیر از پوشاک اروپاییان فرم‌ها تنوع و پیچیدگی یافته و از نقوش و تزئینات پوشاک درباریان کاسته شد. اگرچه این لباس‌ها و فرم‌ها و نقوش ساده می‌توانست مورد پذیرش روحانیون باشد اما نظر به مرغوبیت جنس برخی منسوجات که توسط طبقات مرفه به‌کار گرفته می‌شد و به لحاظ الگوبرداری از لباس غربی مورد پذیرش روحانیون قرار نگرفت و تنها در دربار و طبقات مرفه به‌کار گرفته شد (ذکاء، ۱۳۳۶: ۲۴).

در دوره اول قاجار پوشش سر بانوان همانند پوشش سر در دوره زندیه بود که تور نازک همراه با کلاهک با عرقچین مزین به جواهر بود و این پوشش تا دوره فتحعلی شاه ادامه داشت. شاهزادگان قاجار در مراسم ویژه از تاج‌های مرصع به جواهرات و در مواقع غیر رسمی از نیم‌تاج‌های سبک با جواهرات کمتر استفاده می‌کردند. گاهی خود این جواهرات به‌صورت عمودی و تاج‌مانند روی سر قرار می‌گرفت (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۸۱).

در دوره ناصرالدین شاه چارقد متداول شد که رنگ آن بیشتر سفید بود و آن را زیرگلو سنجاق می‌زدند و مانند مقنعه، روی سینه و شانه‌ها را می‌پوشاند. چارقد قالبی در این دوره وجود داشت که بهترین نوع آن آفتابگردانی بود، کلاخی یک دستمال بزرگ ابریشمی سیاه بود و بر روی چارقد بسته می‌شد که موی پیشانی از زیر چارقد را می‌پوشاند. زنان وقتی از خانه خارج می‌شدند با چادر خود را می‌پوشاندند. زنان اشراف چادرهای سیاه را با گلابتون و حاشیه نقره‌ای تزئین می‌کردند. بعدها این کار منسوخ شد و به جای آن، حاشیه سر با رنگ‌های آبی، قهوه‌ای و سفید به عرض دو انگشت تزئین می‌شد. زنان از روبنده و نقاب و پیچه استفاده می‌کردند که روبنده سفید بود و پیچه سیاه رنگ و از مو تهیه و به همراه چادر استفاده می‌شد. در نیمه قرن ۱۲ رنگ چادرها تیره و سیاه شد. از ابتدا تا زمان انقلاب مشروطه لباس و پوشاک همانند لباس‌های دوره قاجار است. ولی بعد از انقلاب مشروطه و رفت و آمدهای بیشتر با اروپاییان، تمایل به استفاده از پوشاک اروپاییان بیشتر شد. از این دوره کلاه‌های استوانه‌ای و لبه‌دار به نام کلاه پهلوی رایج شد و تا اواخر سلطنت رضا شاه استفاده می‌شد (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۸۴).

سرپوش زنان ایران در دوره‌ی پهلوی

روند غربگرایی در دوره پهلوی شکل سریع‌تری به خود گرفت و مد به عنوان پدیده‌ای فزاینده و سریع در ایران رایج شد. با فرمان رضاشاه مبنی بر ممنوعیت حجاب زنان، استفاده از حجاب زنان در اماکن عمومی در این دوره رسماً ممنوع شد و بعد از این واقعه تا سقوط رضا شاه زنان در مجامع عمومی از کلاه حصیری لبه پهن استفاده می‌کردند. فرم‌های غربی مانند دامن‌های فرگ، پلیسه و غیره که از الگوی پوشاک غربی گرفته شده بود در دوره پهلوی به‌عنوان پوشاک زنان به‌کار گرفته شد (زیبایی نژاد و سبحانی، ۱۳۷۹: ۱۵۲).

زنان محجبه در دوره پهلوی همچنان از پوشش چادر استفاده می‌کردند و معمولاً چادرهای سفید یا نقش‌دار برای محیط خصوصی و چادرهای مشکی برای محیط‌های عمومی استفاده می‌شد (نرگسی، ۱۳۸۷: ۵۶).

سرپوش زنان ایران در دوره‌ی انقلاب اسلامی

با پیروزی انقلاب و سرنگونی دوره‌ی پهلوی الگوی پوشاک به حالت پوشش کامل بازگشت. الگوی رسمی پوشش اسلامی باعث رواج پوشش‌هایی نظیر مانتو، مقنعه و روسری در کنار چادر شد.

رواج مانتو، روسری و شلوار و الزام به سادگی پوشش، زمینه‌ی استفاده از فرم‌ها و نقوش متنوع را از بین برد. رایج‌ترین و پرکاربردترین پوشش سر زنان در این دوره، شال، مقنعه و روسری است که در جنس‌ها، رنگ‌ها و طرح‌های متنوع تولید می‌شود. هر چند شاید نحوه استفاده از این سرپوش‌ها در فرهنگ‌های دیگر متفاوت باشد، اما در قوانین رسمی این دوره به عنوان پوشش سر ضروری و الزامی برای زنان ایرانی به شمار می‌رود. با این حال، فناوری‌های ارتباطات و شبکه‌های ماهواره‌ای و اجتماعی و دیگر رسانه‌ها باعث تداوم روند غرب‌گرایی در بین جوانان شده است. از سوی دیگر، استفاده از فرم‌ها و رنگ‌های متنوع با هدف بازگشت به هویت ایرانی و استفاده از عناصر ایرانی-اسلامی شکل گرفت. با وجود گرایش به زیبایی‌شناسی ایرانی-اسلامی، استفاده از یک نماد نمی‌تواند به معنای بازگشت به هویت خویشتن باشد و باید دیدگاه اساسی و همه‌جانبه در مورد ایجاد پوشاک مدرن ایرانی-اسلامی وجود داشته باشد (رفیع پور، ۱۳۷۹: ۸).

رابطه میان تغییرات اجتماعی و پوشش زنان

تحولات پوشش و سرپوش زنان ایرانی از دوره‌ی صفویه موید تحولات اجتماعی است. بسیاری از تغییرات پوشش زنان مربوط به سرپوش است و به طور کلی، سرپوش‌های متعلق به زمان صفویه از بخش‌هایی مانند لچک، روسری، مقنعه و چادر با تزیینات متعلق به آن‌ها تشکیل شده است، در صورتی که سرپوش دوره افشار و زندیه بیشتر شامل توری و گاهی نیز کلاهی کوچک و روبنده است که در مقایسه با نمونه‌های مربوط به دوره‌ی قاجار بسیار ساده‌ترند. در دوره پهلوی با کشف حجاب اجباری به سبک غربی، کلاه پهلوی رایج شده‌اند و زنانی نیز که علاقمند به پوشش سر بودند از کلاه استفاده می‌کردند. با وقوع انقلاب الگوی پوشاک زنان به حالت پوشش کامل بازگشت و زنان از پوشش سر چادر و روسری و مقنعه با مدل‌های ساده استفاده کردند تا به امروز تمامی پوشش‌های بعد از انقلاب به همان صورت و با تفاوت در فرم و مدل رنگ استفاده می‌شود و رایج‌ترین و پرکاربردترین پوشش سر برای خانم‌ها در ایران شال و روسری است.

بنابراین، مشاهده می‌شود که الگوی تغییرات پوشش زنان که ناشی از تحولات اجتماعی و ایدئولوژی یا باورهای اعتقادی است بیش از سایر اجزای لباس، در پوشش سر خودنمایی می‌کند. این مساله ضمن اهمیت پوشش سر در دستورات دینی و عرف ایرانیان، به اهمیت نوع پوشش سر در طبقات اجتماعی و درباران و اشراف نیز ارتباط دارد. تغییرات نقوش و همچنین تحولات اجتماعی و فرهنگی دوره‌های مورد مطالعه در جدول شماره ۱ معرفی شده است.

جدول ۱- سیر تغییرات نقوش و عناصر بصری و همچنین تحولات اجتماعی و فرهنگی دوره‌ها. ماخذ: مولف‌ساخت

دوره	تحولات اجتماعی فرهنگی	تغییرات نقوش	نقوش عناصر بصری	سیر تغییرات
صفویه	تثبیت تشیع-قدرت گرفتن شاه- قدرت گرفتن حرم سراهاو زنانی چون پریماه خانم- درباری بودن هنر- مساعد شدن روابط ایران و اروپا		نقوش گیاهی طبیعی-ترکیب بندی سینوسی که از این دوره به بعد و تقریباً مقارن اروپا در منسوجات ایرانی مشاهده می‌شود	نقش مایه طبیعی و ترکیب بندی سینوسی
			نقش‌مایه گیاهی-دارای ساختار هندسی و متقارن -ترکیب بندی هندسی متقارن دارای ریتم مضاعف	ساختار هندسی اولیه که به مرور در طی این دوره وجوه هندسی بیشتری می‌یابد

دوره	تحولات اجتماعی فرهنگی	تغییرات نقوش	نقوش عناصر بصری	سیر تغییرات
			نقوش گیاهی پیچان موسوم به شاه عباسی-ترکیب بندی آزاد و پیچیده- گل ها دارای نمایی بالا و جانبی	ساختارهای هندسی آزادانه و افزایش ابعاد تکرار و پیچیدگی نقوش
			نقشمایه های گیاهی، جانوری و انسانی-کادرهای هندسی-نوعی ترکیب بندی که ریشه در آثار صفوی به ویژه غیاث الدین دارد اما در دوره اول قاجار به اوج می رسد	وجود کادرهای هندسی و ترنج های میانی که یک ترکیب بندی معماری یا منشعب از فرش است
			نقوش برگرفته از باسمه های گیاه شناسی اروپایی با تقارن ایرانی-ترکیب بندی معمول لوزی توسط نقوش گیاهی	ارتباط با اروپا و اقتباس نقوش آن ها، اما در این مرحله هنوز سازمان دهی آن ایرانی و متقارن است
			نقوش گل ها به سبک اروپایی-ترکیب بندی نواری	ترکیب بندی نواری در آثار فرنگی دوره صفویه دیده می شود ولی احتمالاً نفوذ هند است، در دوره های بعد این پارچه رواج بیشتری می یابد
			نوارهای حامل نقوش اسلیمی و گیاهی-ترکیب بندی نواری	تکامل ترکیب بندی نواری که در دوره افشاریه و زندیه به اوج می رسد
			نقوش گیاهی میخک برداشت شده از باسمه های اروپایی یا عثمانی- ترکیب بندی ترنجی	ترکیب بندی و نقوش گیاهی منشعب از اروپا و بواسطه عثمانی
			نقوش گیاهی شاه عباسی و گل میخک-ترکیب بندی هندسی در یک ساختار متقارن	نقشمایه های اقتباس های اروپایی و عثمانی را نشان می دهد که در درون یک ترکیب بندی متقارن است
			چاپ نقوش اسلیمی یا ترنج بر روی پارچه و نمونه های اولیه بته جقه- ترکیب بندی متقارن	نمونه چاپ وارداتی از هند که معمولاً برای تولید سفره، رومیزی، پرده و ... بکار می رود

دوره	تحولات اجتماعی فرهنگی	تغییرات نقوش	نقوش عناصر بصری	سیر تغییرات
			فرم بته جقه مرکب از سرو گل‌های پیرامونی-نمونه ابتدایی بته جقه- ترکیب بندی لوزی متداول	نمونه بته جقه‌های گوناگونی به شکل سرو یا دسته گل را می‌توان در دوره صفویه در قالب بافت یا چاپ مشاهده نمود
افشاریه	جامعه روستایی-کوچاندن ایلات توسط نادر شاه-ناپایداری اوضاع کشور-جنگ‌های پی در پی و کشور گشایی		نقوش باسمه اروپایی-سازمان دهی لوزی متداول	تداوم سنت‌های صفوی
			پارچه‌های دارای نقوش اسلیمی و گل‌های طبیعی- ترکیب بندی نواری از نقوش متقارن موجود بر روی تک نوارها	ادامه سنت صفوی و اعتلای آن
			گل‌های برگرفته از نقوش باسمه ای اروپا-ترکیب بندی لوزی	ادامه ترکیب بندی‌های هندسی صفویه و آغاز ظهور ترکیب بندی لوزی
			پارچه‌های ساده دارای رویه مروارید دوزی یا دوخت پلاک‌های فلزی- نقوش بازو بند یا یقه با ترکیب بندی‌های گوناگون	آغاز سنتی که در دوره فتحعلی شاه به اوج می‌رسد
زندیه	گسترش روابط ایران با غرب- گسترش تجارت-کم بودن سهم عناصر شهری-در امور دولتی و استفاده از سران ایلات در دولت- اهمیت به تحصیل در این دوران- گسترش رونق اقتصادی-ایجاد وحدت سیاسی		نقوش گل و مرغ-ترکیب بندی لوزی متداول	پدیدآوردن نقشمایه‌های ایرانی از درون نقشمایه‌های اروپایی عصر صفوی
			مروارید دوزی-ترکیب بندی مناسب با فرم لباس	ادامه و اعتلای سنت افشار که در دوره فتحعلی شاه به اوج می‌رسد
			منسوجات قلمکار با گل ریز-مورد استفاده در داخل منزل-ترکیب بندی لوزی ساده و گل‌های شاه عباسی صفوی	این مورد نشان می‌دهد که پارچه‌های ارزان چاپی کاربرد یافته اند

دوره	تحولات اجتماعی فرهنگی	تغییرات نقوش	نقوش عناصر بصری	سیر تغییرات
			راه راه ساده که احتمالاً برگرفته از انگلیس است- ترکیب بندی ساده	تأثیر اروپاییان در این دوره در اروپا نوعی ساده گرایی باب می شود
			نقوش بته جقه به دو صورت دسته گل و سرو- ترکیب بندی افقی از نقوش سرو دارای سازماندهی متقارن	تکامل نقوش بته جقه که در دوره قاجاریه نیز ادامه میابد
			زر دوزی لبه و نقوش بر روی توربا نخ طلا یا نقره- ترکیب بندی نقوش لوزی متداول	نوعی لباس متناسب با کاربرد منزل برای بانوان
قاجار	هرج و مرج و نا امنی - جنگ های ایران و روس - ارتباط محدود با اروپاییان - گسترش روابط با غرب - آغاز روابط سیاسی تجاری با انگلیس و روسیه - وابستگی اقتصادی به دولت های قدرتمند - واردات بی رویه کالاهای خارجی - بحران اقتصادی - سفر هیات های اروپایی به ایران - جنبش های سیاسی، اجتماعی تنباکو و مشروطه - قرارداد پاریس - رشد مطبوعات، مدارس و نوگرایی حاصل از آن		نقوش گیاهی و هندسی- نقوشی مانند ابریشم نقش برجسته- ترکیب بندی متقارن	پارچه دساده یا زربفت به روش تکه دوزی
			زربفت با نقوش هندسی- ترکیب بندی لوزی	پارچه های زربفت ادامه دوره های صفوی و افشار
			درخت سرو خمیده- ترکیب بندی موازی افقی	در این دوره بته جقه از مهم ترین نقوش محسوب می شود
			نقوش ماهی های گیاهی با قابهای بیضی متناظر از غرب- ترکیب بندی متقارن افقی	رواج کادرهای بیضی و دایره

تغییرات سرپوش زنان در دوره های مورد مطالعه در جدول شماره ۲ معرفی شده است.

جدول ۲- سیر تغییرات نقوش و عناصر بصری در دوره‌ها، ماخذ: مولف‌ساخت

معاصر	بعد از انقلاب	پهلوی	قاجار	افشاریه و زندیه	صفویه	
			 <p>عرفچین گلدوزی‌شده جواهر جقه‌های طلایی مرصع به جواهر پر طاووس</p>	 <p>تزیینات با نگین و اویزهای ظریف رشته‌های مروارید</p>		توری وکلاهک
					 <p>پارچه سه‌گوش و هلال تزیینات جواهر</p>	لچک
			 <p>راه راه ساده برگرفته از اروپا</p>			چارقد
			 <p>پارچه کتانی ظریف توری جلو چشم</p>	 <p>پارچه چهارگوش وصل به کلاه چادر- روسری</p>		روبنده
 <p>نقوش سنتی و تزیینی در رنگ‌های متنوع</p>	 <p>ساده با رنگ‌های تیره</p>				 <p>نقشماپه گیاهی</p>	روسری
 <p>استفاده از نقوش متنوع با ترکیب بندی‌های مختلف</p>			 <p>ترکیب بندی راه راه ساده</p>			شال
		 <p>کشف حجاب استفاده از کلاه پهلوی</p>				کلاه

معاصر	بعد از انقلاب	پهلوی	قاجار	افشاریه و زندیه	صفویه	
						چادر
مدل های مختلف رنگ مشکی	ساده با رنگ های تیره		نقوش هندسی ترکیب بندی لوزی	رنگ های سفید- سیاه-بنفش	دوخته دوزی نوار دوزی	
						مقنعه
مدل های مختلف رنگ متفاوت	ساده رنگ های تیره				رنگ های مختلف مروارید دوزی	

کاربرد نقوش سنتی در سرپوش های معاصر

بررسی تزیینات به کار رفته در سرپوش ها نشان می دهد نقوش این پارچه ها به چند گروه کلی طبقه بندی می شوند. نقوش انسانی، جانوری-اساطیری، هندسی، نقوش تزیینی اسلامی، بته جقه، طرح محراب و لچک و ترنج از جمله این دسته بندی است. نقوش پس از طراحی، بر روی پارچه هایی با رنگ های متنوع به روش های سیلک و دیجیتالی که در چند مرحله صورت می گیرد، اجرا می شوند. استفاده از این نقوش در طراحی پوشش های سر امروزی علاوه بر زنده نگاه داشتن ارزش های هنر ایرانی، به تولیدکنندگان روسری در راه معرفی الگوهای ایرانی و موفقیت برند ایرانی کمک می کند.

تولیدکنندگان سرپوش های زنانه در سال های اخیر به ایده ی استفاده از نقوش ایرانی برای طراحی علاقه نشان می دهند. مسعود رضایی به عنوان یک تولیدکننده، طراحی روسری را به دو روش بازگو می کند. روش نخست، کپی برداری از طرح های موجود و روش دوم، طراحی خلاقانه با ذهن باز طراح. روش اول بیشتر به تکثیر فضای مد کمک می کند و از این جهت، بیشتر مورد استقبال قرار می گیرد. اگرچه جریان های اصلی سازنده مد ممکن است از روش نیز دوم استفاده کنند. وی بر این باور است که استفاده از نقوش سنتی هر چند سال یک بار مد می شود ولی با تنوع نقوش در تولید سرپوش ها، نقوش سنتی کمتر مورد توجه قرار می گیرند، با این حال، تمایل گرایش افراد به المان های سنتی نیز رو به افزایش است (رضایی، ۱۳۹۸).

محمد فدایی، تولیدکننده دیگر نقش ترمه و بته جقه را جزو طرح های رایج چند سال گذشته دانسته است و اذعان می نماید با ورود فناوری چاپ کاغذ و چاپ سابلمیشن نقوش سنتی کمتر استفاده می شود. هر چند سال یک بار این نقوش به عنوان مد استفاده می شوند و با توجه به این که این نقوش در فرهنگ ما جای دارند و با آن عجین شده به زیبایی طرح کمک زیادی می کنند. وی هماهنگی عناصر تصویری و رنگی و چشم نواز بودن المان های سنتی را از مزیت های طراحی مبتنی بر نقوش ایرانی می داند (فدایی، ۱۳۹۸).

محمد فصاحت دیگر تولیدکننده روسری معتقد است، عواملی که در تولید روسری باعث زیبایی آن می شود طراحی پر از رنگ و بدون محدودیت رنگی است که این امر به نوع طراحی وابسته است. وی تاثیر طراحی و استفاده از نقوش سنتی را وابسته به مد روز بازار می داند و می گوید: ممکن است یک روز طرح سنتی مد باشد زیبا دیده شود و سه ماه بعد سبک عوض شود و طرح سنتی خوب نباشد.

او در مورد تاثیرپذیری نقوش سنتی در طراحی روسری معتقد است نقوش سنتی دارای تناسب رنگی و هماهنگی با فرهنگ مردم ایران بوده و همیشه در زمان‌های متوالی مورد استقبال مردم قرار می‌گیرند (فصاحت، ۱۳۹۸).

در ادامه، چند نمونه طراحی سرپوش روسری که با استفاده از نقش‌مایه‌های ایرانی طراحی و تولید شده، معرفی می‌شود.



تصویر ۱- طراحی روسری با تکنیک چاپ سیلک، (مجموعه آثار فاطمه کربلایی)

در تصویر شماره ۱ با الهام از نوارهای تزئینی و یراق‌های بافته شده از دوره صفویه که برای تزئین لباس‌ها استفاده می‌شد و نمونه‌ی ابریشم‌دوزی این دوره استفاده شده است. از الگوی قطعه‌دوزی شده‌ای با طرح‌های هندسی و با شیوه کاشیکاری تزئین شده در این شیوه با الیاف رنگین در فواصل منظم نقوش به صورت اریب دوخته شده که به نام مسیف^۱ شناخته می‌شود.



تصویر ۲- طراحی روسری با تکنیک چاپ سابلمیشن، (مجموعه آثار فاطمه کربلایی)

^۱ نوعی دوخته‌دوزی روی پارچه است که نقش آن تمامی متن را می‌پوشاند.

در طرح شماره ۲ روسری از نماد بته جقه که همان گل‌های صفوی است استفاده شده است. یکی از نگاره‌ها و آرایه‌هایی که در طول هزاره‌ها تا امروز به شیوه‌های گوناگون و شگرف زینت‌بخش هنرهای ایرانی بوده و هنرشناسان هنوز در چگونگی، ماهیت و مفهوم رمزی و نمادی آن اختلاف نظر دارند، نگاره‌ی بته جقه است. در قرن هفدهم گل‌ها و بوته‌های استفاده شده نسبت به محور عمودی‌شان تقارن دارند. گل‌های صفوی که غالباً همان گل محمدی هستند یک گل بزرگ در قسمت فوقانی بوته دارند. گل فوقانی به دلیل بزرگی و وزنش گاه خمیده نشان داده می‌شود و این حالت رفته رفته در میان طراحان مطلوب واقع گردید تا این که در اواخر قرن ۱۸ و ۱۹ به صورت بته جقه درآمد و موجودیت اولیه خود را که بوته گل باشد از دست داد و فقط فرم آن باقی ماند. بته‌های متناوب سرمایه‌ای و قرمز که با این که گل درشت فوقانی را ندارند هنوز ساقه بوته شان آشکار است. با دقت بیشتر مشاهده می‌شود که ساقه بته‌ها متصل به گیاهی هستند که به طور اریبی قرار گرفته‌اند.

ضرورت استفاده از نقوش سنتی در طراحی سرپوش زنان

هنر ملی و اصیل ایران اسلامی در طول تاریخ پاسخگوی نیازهای زیباشناختی، ذوقی و فرهنگی ایرانیان بوده و بر اساس روحیه، جهان‌بینی و اعتقادات بنیادین ایرانی شکل گرفته است. اگر بر این باور باشیم که هویت ایرانی حاصل امتزاج فرهنگ اسلامی- ایرانی است، باید علاوه بر حفظ آن، برای روزآمدسازی و مناسب‌سازی آن با نیازهای جامعه تلاش کنیم. دوره‌های مختلف تاریخ فرهنگ و تمدن ایران دارای دستاوردها و میراث ارزشمند خاص خوداند. نقوش منسوجات صفویه از نظر طرح، نقش و شیوه چنان غنی هستند که می‌توان در حال حاضر نیز برای خلق آثار جدید از آنها الهام گرفت. طراحان پارچه‌ها در دوره‌های مختلف نقوش و فنون خاصی را ابداع می‌کردند که زیبایی آن را مضاعف می‌کرد. استفاده از این میراث ارزشمند تصویری برای جذابیت و تنوع‌بخشیدن به تولیدات شال و روسری از طریق نوآوری و خلاقیت میسر است.

شهروندان امروز به طرح و نقش‌های به‌روزشونده و متناسب با الگوهای زندگی معاصر نیاز دارند و چنان چه این الگوها از فرهنگ بومی استخراج شوند، به طور طبیعی سازگاری بیشتری با سلیقه و طبع آنها خواهند داشت. این مساله زنجیره تامین را در تولید البسه‌ی زنان کامل ساخته و موجب کاستن ارزبری ناشی از واردات محصول یا ایده خواهد شد.

نتیجه‌گیری

پوشاک یکی از ضروریات حیات انسان است و علاوه بر جنبه پوشش و محافظت از بدن، می‌تواند نشان‌دهنده باورهای مذهبی، فرهنگی، اجتماعی و جایگاه افراد باشد. سیر تحول و دگرگونی پوشاک جوامع می‌تواند روشنگر تحولات تاریخی و شناخت بهتر یک جامعه باشد. در این بین، پوشش زنان از اهمیت فراوانی برخوردار است، چرا که پوشیدگی و حجاب آنان یک ارزش نهادی در جوامع مختلف بشری و تضمین‌کننده سلامت جامعه به شمار می‌رود. حجاب از دیرباز تا کنون در ایران وجود داشته است و شواهد پوشیدگی زنان ایرانی از دوران باستان مبین این مساله است. با ورود اسلام به ایران، پوشیدگی زنان تداوم یافت. پس از سفرهای شاهان قاجاری به فرنگ، الگوهای غربی پوشش بانوان به ایران راه یافت. مساله تاثیرپذیری بانوان از نحوه لباس پوشیدن زنان غربی را می‌توان به وضوح در نوشته‌های سفرنامه‌نویسان مشهور اروپایی مشاهده کرد، تا جایی که برخی از آنها ادعان کرده‌اند گاهی لباس زنان به‌خصوص در خانه به مراتب بازتر از لباس زنان اروپایی است.

پوشش سر زنان در طول تاریخ ایران و دوره‌های مختلف آن متأثر از تحولات اجتماعی و ارزش‌های رایج بوده است، به نحوی که می‌توان نوع این پوشش را نشانه‌ای از روند رو به رشد و یا زوال آن دوره قلمداد کرد.

یکی از مشکلات عمده‌ی تحقیقات درباره سرپوش زنان، کمبود منابع در این خصوص است، به نحوی که در اسناد و پژوهش‌های موجود بیشتر به معرفی پوشاک ادوار مختلف، قومیت‌ها و خصوصیات لباس‌های محلی پرداخته شده است.

در سرپوش‌های دوره صفوی، افشاری، زندی و قاجاری با توجه به نقوش پارچه‌ها و وجود عناصر هماهنگ با این نقوش از نظر معنا و مفهوم، چیزی جز حضور تصویر نماد و اسطوره و نقش‌مایه‌های ریشه‌دار نمی‌توان یافت. نقوش انسانی، حیوانی، گیاهی و هندسی که از

گذشته‌های دور در شاخه‌های مختلف هنر و معماری ایران دیده می‌شود، در پوشاک ایرانی نیز جلوه‌گری کرده‌اند. اما از دوران پهلوی به بعد، مدگرایی ناشی از الگوهای غیر ایرانی نیز بر این نوع تحولات سایه افکنده است.

به کار بردن این نقوش با ترکیب‌بندی نو و کاربردی در محصولات امروزی گام موثری در راه احیای میراث هنری گذشتگان است. با استفاده از طراحی نقوش برای روسری‌ها و دیگر انواع سرپوش‌های جدید، ریشه‌های فرهنگی گذشته امتداد یافته و برای حفظ ارزش‌های ایرانی-اسلامی تلاش خواهد شد. در دو دهه اخیر هنرهایی همچون سوزن‌دوزی، به‌کارگیری پارچه‌های سنتی در حوزه مد و پوشاک، تلفیق لباس‌های سنتی محلی با ظاهری مدرن و استفاده از نقش‌مایه‌های ایرانی و عناصری مانند خوشنویسی فارسی از ابتکارات جدید در این زمینه بوده است و بسیاری از طراحان توانسته‌اند لباس‌های خاص ملهم از این عناصر را تولید و عرضه کنند. طراحان و دست‌اندرکاران حوزه مد و پوشاک تلاش می‌کنند با استفاده از طرح و نقش‌مایه‌های ناب ایرانی مانند بته جقه، شکل‌های مختلف اسلیمی، نقوش معماری، نقوش فرش و گبه و خط فارسی ضمن هویت‌بخشی به پوشاک معاصر، به آن جذابیت و تنوع ببخشند.

بررسی رویدادهای اجتماعی و تاریخی پوشاک از دوره صفویه تا کنون و تاثیر آن بر سرپوش زنان نشان می‌دهد؛ ۱- پوشش سر زنان و تغییرات آن در طول زمان علاوه بر ارزش‌های زیبایی‌شناسی، متأثر از عوامل متعددی نظیر باورها و دستورات دینی و سنت‌های اجتماعی متعلق به هریک از دوره‌ها بوده است ۲- تغییرات نوع نقوش پوشاک در طول مدت مورد بررسی تابع تغییر و تحولات لباس و پوشش‌ها است که خود ناشی از تحولات فرهنگی و مبادلات فرهنگی است. دوره‌ی مورد بررسی با تنوع و گوناگونی سرپوش‌های زنان همراه بوده است که علامه بر تاثیرپذیری از تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، متأثر از جایگاه اجتماعی زنان و طبقه اجتماعی آنان و در سال‌های متاخر، شغل و مسئولیت اجتماعی آنان نیز بوده است.

منابع

۱. اسکارچا، جان، (۱۳۷۶)، هنر صفوی، زند و قاجار، تهران: مولی.
۲. اسکارچیا، جیان بورتو، (۱۳۹۰)، سلسله‌های اسلامی. ترجمه فریدون برره‌ای، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۳. حجازی، بنفشه، (۱۳۸۲)، تذکره اندورنی شرح احوال و شعر شاعران زن در عصر قاجار تا پهلوی اول، تهران: قصیده سرا.
۴. دروویل، گاسپار، (۱۳۷۰)، سفر در ایران، ترجمه منوچهر اعتماد مقدم، تهران: انتشارات شباویز.
۵. ذکا، یحیی، (۱۳۸۲)، زندگی و آثار صنایع الملک، تهران: نشر دانشگاهی.
۶. راوندی، مرتضی، (۱۳۵۲)، تاریخ اجتماعی ایران، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۷. رفیع پور، فرامرز، (۱۳۷۹)، توسعه و تضاد (کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسایل اجتماعی ایران)، تهران: انتشارات شرکت سهامی.
۸. رضائی، رضا، (۱۳۸۶)، بررسی وضعیت حجاب در ایران از سال‌های آخر حکومت پهلوی تا پایان جنگ تحمیلی، حجاب، مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی، جلد ۲.
۹. زیبایی نژاد و سبحانی، (۱۳۸۳)، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، تهران: انتشارات مدرسه.
۱۰. شاردن، ژان، (۱۳۷۲)، سفر نامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، جلد ۵، تهران: نشر طوس.
۱۱. ضیاپور، جلیل، (۱۳۴۷)، پوشاک زنان ایران از کهن ترین زمان تا آغاز شاهنشاهی، تهران: انتشارات فرهنگ و هنر.
۱۲. غیبی، مهرآسا، (۱۳۸۴)، ۸۰۰۰ سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، تهران: هیرمند.
۱۳. نوروزی، جمشید (۱۳۹۱)، تمدن ایران در دوره صفویه، تهران: انتشارات مدرسه.
۱۴. هانوی، جوناس، (۱۳۴۶)، زندگانی نادرشاه، ترجمه اسماعیل دولت شاهی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

The trend and roots of changes in Iranian women's headscarf from the Safavi era to the contemporary era

Abstract

In each period, the head covering reflects the rank and social status of classes and individuals. Regarding that, women's use of headscarves has changed in different periods and has had a significant variety.

This study identifies the characteristics of women's clothing and head cover in each period, and changes in covers from the Safavi period to the present day. The study of the factors affecting the changes of covers and the relationship between social changes and changes in the type of clothing and covers of women has been done by descriptive-analytical method. Research information has been collected through libraries and interviews have been conducted with some activists in the design and production of covers.

According to the results achieved, the trend of changes in women's headscarves in different periods can be determined by factors such as historical, cultural, religious status, economic and political status of each period, because changes in this type of cover are subject to cultural developments. It has been social and political. Changes in clothing patterns during the period under review are subject to changes in clothing and apparel, which are themselves the result of cultural changes and exchanges. The diversity of women's covers in the studied periods, in addition to being affected by cultural, social and political developments, has affected the social status of women and their social class and in recent years, their jobs and social responsibilities as well.

Patterns and decorations on the covers of Safavi, Afshari, Zandi and Qajar periods, according to the whole text of the fabrics and the existence of elements in harmony with these motifs, are influenced by the common symbols, myths and motifs of each period, but from the Pahlavi period onwards, fashionism resulting from non-Iranian patterns has also overshadowed this type of civilization.

The use of motifs and ornaments left over from the Iranian-Islamic civilization, while further linking Iranian culture and art with the modern life of the people, can give the design of scarves as an important part of contemporary clothing, identity and cultural value.

Key words: Iranian clothing, fashion and clothing design, women's cap, fashion and clothing, Safavi period